

دوشنبه 2 تیر 1399 - 30 شوال 1441 - 22 ژوئن 2020

به توپ بستن مجلس شورای ملی به فرمان محمدعلی شاه قاجار (1287ش)



به توپ بستن مجلس، شبه‌ای ملی به فرمان محمدعلی شاه قاجار (1287ش)، اما در محمدعلی شاه قاجار، از همان آغاز کار، مصمم به برانداختن مشروطیت بود، اما بهانه‌ای در دست نداشت. اما در جریان سوء قصدي که به وي شد، بهانه لازم را به دست آورد و آن را به گردن آزاديخواهان انداخت، تا اینکه سرانجام پس از ماه‌ها کشمکش میان مجلس و دربار و عدم دسترسی به نتیجه مطلوب، در روز سه‌شنبه دوم تیرماه 1287 ش برابر با 23 جمادي اول 1326 ق، هنوز آفتاب طلوع نکرده بود که قشون محمدعلی شاه به سوی مجلس روان شدند و راه‌هایی را که به مجلس منتهی می‌شد، بستند. مجاهدان که در میدان بهارستان بودند در سنگرهای خود به حال آماده‌باش درآمدند. چون خبر به گوش حضرات آیات بهبهانی و طباطبایی، از رهبران روحانی مشروطه، رسید، با بی‌پروایی و دلیری از خانه بیرون آمدند و خود را به مجلس رسانیدند تا شاید از وقوع حادثه جلوگیری نمایند. ناگهان مجلس شورای ملی که هنوز مدت زیادی از بدو تشکیل آن نمی‌گذشت به دستور محمد علی شاه مستبد و توسط کلنل لیاخوف، افسر روسی به توپ بسته شد. در پی این حمله، نعش خونین آزاديخواهان، صحن بهارستان را پر کرد و صدای ناله و فریاد از هرسو به گوش می‌رسید. مجاهدان نیز مردانه، تفنگ در دست گرفته و از خود و مجلس دفاع می‌کردند. جنگ در حدود چهار ساعت به طول انجامید و سرانجام به نفع شاه پایان یافت. در این ماجرا، محمدعلی شاه که مورد حمایت دولت روس بود به اعدام و تبعید و زندانی کردن نمایندگان مجلس پرداخت. شاه دستور داد که آقا سیدعبدالله بهبهانی را به کرمانشاه تبعید کرده، آیت الله سیدمحمد طباطبایی را در شمیران خانه‌نشین نمایند. عده‌ای از آزاديخواهان را، زنجیر به گردن انداخته و کیشان کشان به باغشاه بردند. از میان این جمع، تنها ملک المتکلمین و میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل از مشروطه‌طلبان مشهور و مخالف استبداد قاجاری را به حضور شاه آوردند. وی پس از این‌که مدتی به آن دو دشنام داد، دستور قتل هر دوی آنها را صادر کرد. در این واقعه بیش از سیصد تن از مجاهدان، آزاديخواهان و مشروطه‌طلبان کشته و پانصد تن دیگر زخمی و تعداد زیادی بازداشت شدند. همچنین انجمن‌ها تعطیل، روزنامه‌ها توقیف و مشروطیت دو ساله ایران به پایان رسید. بدین ترتیب مجلس، منحل شد و دوره استبداد صغیر آغاز گشت.

تصویب طرح اجباری شدن کلاه شاپو برای مردان در مجلس، شبه‌ای ملی (1306 ش) رضاخان پهلوی پس از به دست گرفتن قدرت، دانما در تلاش برای نابودی مظاهر دینی و سنتی مردم بود و قصد جایگزینی فرهنگ غرب در ایران را در سر می‌پروراند. وی در این راه، در هر مدت قانونی، را به مردم ابلاغ می‌کرد که طرح اجباری شدن استفاده از کلاه شاپو یکی از آنان بود. این قانون ابتدا در مورد وزرا، وکلا و رؤسای ادارات و مستخدمان دولت اجرا گردید که باید لباس متحدالشکل بیوشند و کلاه شاپو یا پهلوی بپوشیدند. سپس این دستور برای مدارس اجباری گردید و دانش‌آموزان موظف به پوشیدن لباس یک شکل شدند. در این میان، بازاریان از تغییر لباس ناراضی بوده و با تمام فشار و توصیه‌های کلانتری‌ها، از آن روی گردان بودند. از آن طرف، چون قانون برای پوشیدن لباس کوتاه و کت و شلوار وجود نداشت و بسیاری از طبقات مردم، مایل نبودند از لباس اجدادی خود دست بکشند و لباس جدید را در بر نمایند، بنابراین مشکلاتی به وجود آمد. از این رو، برای اینکه این عمل صورت قانونی پیدا کند با اشاره دربار به مجلس، نمایندگان با تصویب طرحی، در دوم تیرماه 1306 استفاده از کلاه شاپو را اجباری اعلام کردند. با تصویب این طرح، ماموران دولت بر فشار خود بر مردم افزودند و آن را در سطح کشور رایج ساختند. در مقابل، اشخاص بسیاری بودند که در مخالفت با این طرح، دیگر به سر کسب و کار خود نرفتند و خانه‌نشین شدند.

در گذشت شعیشع، بی‌قرآن کهنه (1390ش)، ابوالعینین شعیشع» رئیس انجمن قراء مصر متولد شهر «بیلا» در استان «کفرشیخ» مصر در سال 1922 بود و در دوران کودکی حافظ کل قرآن شد و در سال 1936 در شهر «المنصوره» به شهرت رسید. وی در سال 1939 در رادیو قاهره به تلاوت قرآن مشغول شد و در نیمه دهه 40 میلادی روش خاص خود را در تلاوت قرآن اتخاذ کرد؛ وی اولین قاری است که در مسجد الاقصی به قرئت قرآن پرداخت. «ابوالعینین شعیشع» در اکثر کشورهای دنیا از جمله عراق، سوریه و ایران تلاوت کرد و در آغاز دهه 60 میلادی به بیماری ای مبتلا شد که مدتی نتوانست قرائت کند. وی در دهه هفتاد تلاش خود را برای ایجاد انجمن قراء مصر دنبال که در این کار بزرگان چون «شیخ محمود علی البنا» و «شیخ عبدالباسط عبدالصمد» او را همراهی کردند و در سال 1988 وی به عنوان دبیر این انجمن انتخاب شد. «ابوالعینین شعیشع» عضویت شورای عالی امور اسلامی مصر، ریاست موسسه بین المللی حفظ قرآن کریم و عضویت کمیته عالی قرآن کریم وزارت اوقاف مصر را بر عهده داشت و در طول حیات خود نشان‌های عالی کشورهای لبنان، سوریه، فلسطین، ترکیه، سومالی، پاکستان، امارات و برخی کشورهای دیگر اسلامی را دریافت کرد. وی که از دوستان اهل بیت(ع) بود، یکی از علاقه‌مندان جدی انقلاب اسلامی و به ویژه مقام رهبری به حساب می‌آمد و رهبر معظم انقلاب اسلامی در

هلاکت قوم عاد به امر به دگ، در مصباح کفعمی و تقدیم المحسنین آمده که، ایام نحسی که حق تعالی در آن قوم عاد را هلاک کرد، در آخر شوال بوده یعنی اول ایام نحسات بوده. ولی به نظر صاحب وقایع الأیام قمی، روز های نحس - که مراد آن هفت شب و هشت روزی است که بر قوم هود علیه السلام طوفان شدید وزید و آنها را هلاک کرد - مبدأ آن ایام، اول شوال مطابق اول ایام بردالعجوز بوده. به این جهت آن ایام را بردالعجوز گفتند که عجزی در آن چند روزه، مسکنی در زیر زمین مرتب داشته، پنهان بود. در روز ششم، باد به آن جا نیز داخل شد و او را هلاک کرد.

انعقاد عهدنامه ی گلستان میان روسیه و ایران پس از شکست ایران از روسیه (1228 ق)، عهدنامه ی گلستان از نتایج جنگ های ده ساله ی ایران و روسیه بود که به سبب بی‌کفایتی فتحعلی شاه قاجار به شکست ارتش ایران منجر شد. به موجب این عهدنامه، بخش های ایران از سرزمین ایران در شمال غربی کشور از جمله گنجه، شیروان، باکو، داغستان و گرجستان تا دریای خزر به روسیه ضمیمه شد. در مقابل، دولت روسیه متعهد گردید که ولایتعهدی عباس میرزا را به رسمیت بشناسد. با این حال، سیزده سال بعد در 1241 ق، بار دیگر روسیه به خاک ایران تجاوز نمود و مناطقی دیگر را اشغال کرد که این بار به انعقاد معاهده ی ننگین ترکمانچای انجامید. نتایج شوم این قراردادها در سال های بعد از آن، بیشتر دامنگیر ملت ایران گردید.

وچاکمو "گالیه گالیه" دانشمند و منجم ایتالیایی در دادگاه تفتیش عقاید (1633م) کالیو کالیله فیزیک دان و ستاره شناس ایتالیایی در 15 فوریه 1564 به دنیا آمد و ضمن تحصیل در دانشگاه، قانون پاندول را کشف نمود و پس از فراگیری علوم متعدد به نجوم روی آورد. وی در سال 1632م، در ردّ عقاید بطلمیوس درباره منظومه شمسی کتابی تحت عنوان "محاوره درباره دو منظومه بزرگ جهان" نوشت و برخلاف جریان غالب فکری مبنی بر ساکن و مرکز بودن زمین، اعلام کرد که زمین به دور خورشید می‌گردد. انتشار عقاید گالیله مخالفت مقامات کلیسا را برانگیخت و اعتراضات شدید را علیه گالیله به وجود آورد. گالیله نمی‌توانست مخالفین خود را به وسیله تجربه و مشاهده محکوم کند، زیرا آنان هیچ‌گونه استدلال غیرمذهبی را نمی‌پذیرفتند. برای مقامات کلیسا هر چیز غیر از کتاب مقدس و ارسطو بی‌ارزش بود و کلیسا هرگز اجازه نمی‌داد که یک فرد غیر روحانی، کتاب مقدس را مطابق میل خود تغییر دهد. سرانجام، سال بعد، پاپ، گالیله را به رُم احضار کرد و نظراتش را کفرآمیز خواند. گالیله پس از بازجویی های همراه با اهانت، شکنجه، آزار و حبس، برای حفظ جان خود، به انکار عقیده اش پرداخت و سرانجام در 22 ژوئن 1633م در کلیسای سنت ماری همانند یک گنه‌کار و مجرم به محاکمه کشیده شد. دستگاه کلیسا، گالیله را وادار کرد که یا عقاید خویش را انکار کند یا با مجازات مرگ رو به رو شود. در نتیجه، وی به ظاهر عقاید خود را انکار کرد و از آن پس به علومی غیر از نجوم پرداخت.

توصیف شعیشع وی را «پیر قرآن کریم» و «کسی که عمرش را با قرآن گذرانده است» نامیده اند.